



فلسفه برای کودکان بر تفکر انتقادی و خلاق تأکید دارد/ کودکان فیلسوف بالذات هستند

مدیر گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: استدلال و مفهوم سازی و مهارت های جمعی و فردی در پارادایم فلسفه برای کودکان اهمیت دارد...

مدیر گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی گفت: استدلال و مفهوم سازی و مهارت های جمعی و فردی در پارادایم فلسفه برای کودکان اهمیت دارد، در فلسفه برای کودکان بر تفکر انتقادی، خلاق و همدلانه تأکید می شود. به گزارش خبرنگار مهر، به مناسبت روز جهانی فلسفه اولین روز همایش "فلسفه برای علم، هنر و زندگی" بعد از ظهر دوشنبه 27 آبان ماه در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به همت جهاد دانشگاهی، کمیسیون ملی یونسکو در ایران و انجمن علمی دانشجویی فلسفه دانشگاه تهران برگزار شد. این همایش فردا بعداز ظهر ادامه می یابد.

سعید ناجی در این همایش سخنان خود را با عنوان "فلسفه و تعلیم و تربیت" ارائه کرد و گفت: در رابطه با فلسفه و تعلیم و تربیت و رابطه این دو رشته ای به نام فلسفه برای کودکان در دنیا بوجود آمده است. حدود 50 سال است که روی آن کار می شود. من سعی می کنم به این سوالات پاسخ دهم: آیا فلسفه و تعلیم و تربیت حوزه های معرفتی بیگانه ای هستند یا آنها می توانند همنشینی داشته باشند با هم تلفیق شوند و با هم همکاری داشته باشند. و دوم اینکه برنامه فلسفه برای کودکان در این زمینه چه پیشنهادی دارد؟

وی افزود: قبل از پاسخ به این سؤالات نگاهی به وضعیت فلسفه و تعلیم و تربیت می کنم. همه در تعلیم و تربیت در دانشگاه ها معترف شده اند که تعلیم و تربیت ما علیرغم اینکه تلاش دارند که آن را زنده نگاه دارند اما به بن بست رسیده است. فلسفه هم به گوشه دنج دانشگاهی و گروه های فلسفه خزیده است و برج عاج نشین شده و دیگر کاری با مشکلات مردم ندارد. با توجه به اینکه تعلیم و تربیت حاضر ما دیگر متناسب مقتضیات زمان ما نیست. به عنوان مثال مقتضیات زمان با وجود اطلاعات زیاد بدست آورده از روی اینترنت و سایت های خبری دیگر اطلاعات داده شده از سوی آموزش و پرورش کمرنگ شده است و مشکلات اخلاقی دانش آموزان با تعلیم و تربیت فعلی حل نمی شود. آموزش و پرورش به حافظه کوتاه مدت دانش آموزان استوار شده است تعلیم و تربیت در زمینه اخلاقی ناکافی است. همینطور تعلیم و تربیت ما اخلاق و مهارت های اجتماعی را در کودکان نهادینه نمی کند درباره فلسفه هم فلسفه دیگر کاربردش را از دست داده است.

مدیر گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تصریح کرد: فلسفه در بهتر زندگی کردن مردم نتوانسته کمک کند و همچنین نتوانسته برای پیشرفت رشته های دیگر کمک کند. البته رشته های فلسفه های مضاف کمک زیادی به علوم کرده اند با اینهمه فلسفه گوشه دنج دانشگاهی و گروه های فلسفه خزیده است. وقتی فلسفه را برای مردم عرضه می کنیم به عنوان مثال تلویزیون برنامه فلسفی نشان می دهد مردم از آن فراری و بیزار هستند و سریع آن کانال را عوض می کنند. راهکاری که فلسفه برای کودکان برای جلوگیری از این موضوع می دهد این است که هم فلسفه را پویا کند و هم بیاید تعلیم و تربیت را پویا کند. تلاش کند هر دو یک جوری کاربردی شوند. ولی با اینهمه انتظار می رود که فلسفه بیشتر از اینها وارد زندگی مردم بشود و بر زندگی آنها تأثیر بگذارد.

ناجی عنوان کرد: فلسفه برای کودکان مدعی است که فلسفه ای که تا الان جریان داشته به اغراق بگویم تاریخ مصرفش را از دست داده است. ما در راستای تمام شدن همین تاریخ مصرف به فلسفه جدیدی نیازمندیم. همینطور پارادایمی از تعلیم و تربیت ارائه می دهد که این پارادایم کنونی را کنار می گذارد. می گوید دیگر 12 سال عمر دانش آموزان را تلف کردن بس است. باید شیوه جدید را بکار بندیم. از کودک تا الان تعریف دیگری داشتیم فکر می کردیم توانایی های بزرگسالان را ندارند در حالی که روانشناختی جدید می گوید کودکان فیلسوفان بالذات هستند. کافی است در خانواده و در آموزش و پرورش آنها را کلیشه ای بار نیاوریم. اما در شیوه جدید فلسفه و تعلیم و تربیت را در کنار هم می گذارند فلسفه بدون تعلیم و تربیت و تعلیم و تربیت بدون فلسفه عقیم است. ما باید اندیشه ها علمی و فلسفی را از ذهن مخاطب بیرون بکشیم نه اینکه به زور اندیشه های بر آن تزریق کنیم.

وی یادآور شد: مثالهای مختلفی مارتین نوسپام یکی از فیلسوفان فلسفه برای کودکان آورده است. به عنوان مثال می گوید نمی شود از روی کتاب شنا کردن به بچه یاد داد بلکه مربی باید در داخل آب چطور دست و پا زدن و ایرادات بچه ها در آن را نشان دهد. دیالوگ در فلسفه سقراط اهمیت دارد، لذا در فلسفه برای کودکان به جای کتب فلسفی از این طریق به داستان اهمیت داده می شود. در متون فلسفی ما داستان راه ندارد. داستان سکوی پرش برای رفع مشکلات و مسائل فلسفی و عینی کودکان هستند. در اینجا هدف فلسفه هم عمق بخشیدن به زندگی و تفکر است نه حل معماهای فلسفی و یادگیری مکاتب فلسفی.

بچه ها یاد می گیرند مسائل فلسفی را در زندگی استخراج کنند و در مدرسه با همسالان دیگرشان در میان بگذارند. فلسفه برای کودکان اهمیت به فلسفه آماتور و نه آکادمیک می دهد. فلسفه آماتور از یک سؤالی که برای فرد پیش آمده شروع می شود و بدنبال آن جستجوهای خود را پیش می برد و مشکل خودش را با درمیان گذاشتن آن با افراد آگاه و یا کتاب ها حل می کند. در فلسفه برای کودکان این نوع فلسفه است که اهمیت پیدا می کند. فلسفه به عنوان تحقیق و کندوکاو به کار می رود. فلسفه برای کودکان تعریفی از فلسفه ارائه می دهد که کودکان را جزو فلاسفه می انگارد. از کودکان فلسفه یاد می گیریم نه اینکه به آنان فلسفه یاد می دهیم. برای مثال تعریفی که من از شانس داشتم بر سه محور استوار بود. کودکان 7 محور ارائه دادند 4 محور جدید من از آنها آموختم. به همین دلیل کودکان فیلسوف محسوب می شوند.

مدیر گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بیان داشت: در تعلیم و تربیتی که جدیداً ارائه می دهند معلم محوری و اینکه به زور چیزی را به بچه ها القا کنیم وجود ندارد و با این طرز فکر مخالف است و آن را از بین برده است. مدارس ما به کل حافظه محور هستند و می خواهند به زور به واسطه معلم و کتاب درسهایی به بچه ها بدهند، ولی پارادایم فلسفه برای کودکان چنین چیزی نیست، مسیرش برعکس این است. هدف تعلیم و تربیت جدید تقویت قدرت داوری و قضاوت کودکان است. به آنها قضاوت کردن و داوری یاد داده می شود تا خود آنها پاسخ های علمی و فلسفی خود را پیدا کنند. تا اندازه ای هم به عینی گرایی قائلند.

ناجی ادامه داد: به طور کلی استدلال و مفهوم سازی و مهارت های جمعی و فردی در پارادایم فلسفه برای کودکان اهمیت دارد. بر تفکر انتقادی، خلاق، و همدلانه تأکید می شود. در پارادایم جدید بچه ها دور هم می نشینند معلم هم کمک می کند به وسیله داستان سؤالات و ایده های فلسفی خود را در کلاس مطرح کنند و با دوستان دیگر خود در میان بگذارند و تا آنجایی که می توانند در این مسیر سیر کنند و پیش روند. کل مدرسه و امکانات آن در اختیار تحقیق کودکان قرار می گیرد. در این پارادایم بچه ها با معلمانشان جمع می شوند و درگیر یک تحقیق می شوند دیگر انتقال مطالب از کتاب به ذهن بچه ها وجود ندارد. کودکان استعدادهایشان در مسیر تحقیقاتشان و کندوکاو های فلسفی اشان که خیلی بهتر از بزرگسالان است شکوفا می شود. یعنی فکر درباره فکر می کنند. اینکه دیروز چه فکری داشتم و چطور فکر می کردم چرا اینطور فکر می کردم و آن فکر را باید اصلاح کنم.

وی افزود: ماتیو لیمن بنیانگذار فلسفه برای کودکان می گوید من تلاش کردم که فلسفه و تعلیم و تربیت را که مثل آب و نفت با هم ترکیب نمی شدند را با هم ترکیب کنم و این کار در تمام دنیا انجام شود. فلسفه برای کودکان در طی 12 سال تحصیل دانش آموزان می تواند ارائه شود و هوش دانش آموزان را در کنار قدرت استدلال و قضاوت و داوری بالا می برد. این 12 سال اگر همزمان با فلسفه و کند و کاو های فلسفی باشد مطمئناً نتایج اجتماعی و فردی بسیاری به بار خواهد آورد. اگر فلسفه به عنوان یک تحقیق بگیریم در تمام سطوح زندگی و هم در تعلیم و تربیت در نتیجه می تواند در کنار هم بنشینند. هدف فلسفه معقول و منطقی و روشن بار آوردن بچه ها است هدف تعلق و تربت هم تقریباً همین است بالا بردن قدرت استدلال و قضاوت و داوری بچه هاست بنابراین تقریباً این دو یکی می شوند.

مدیر گروه فلسفه برای کودکان و نوجوانان در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دریایان یادآور شد: ما الان این برنامه ها را در ایران داریم و برای بچه ها و والدین آنها کلاسهای فلسفه برای کودکان قرار است تعلیم دهیم. تا کمک به زندگی عملی آنها شود. از کودکی اجازه بدهیم که مقبولیت مردمسالاری را در زندگی پیاده کنند و این امر را از کودکی در آنها نهادینه کنیم.